

رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی: بررسی تطبیقی نقش چین و اتحادیه اروپا در منطقه

دکتر محمد حسن خانی^۱

علی بغیری^۲

جایگاه سیاسی و امنیتی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در نظام بین‌الملل، کشورهای منطقه را از اهمیت روزافزونی در سیاست بین‌الملل برخوردار ساخته است. در این میان منطقه آسیای مرکزی برای بازیگرانی چون چین و اتحادیه اروپا از لحاظ اقتصادی و انرژی دارای اهمیت ویژه‌ای است.

این منطقه با دارا بودن بازاری بالقوه و بهره‌مندی از منابع زیر زمینی، به ویژه نفت و گاز، توجه بازیگرانی را به خود جلب کرده است که بطور روزافزون بر نیاز آنها به انرژی برای دستیابی به قدرت اقتصادی افزوده می‌شود. در این مقاله سعی خواهد شد تا ابزارها، اهداف و چالش‌های پیش روی چین و اتحادیه اروپا به عنوان دو بازیگر مهم در نظام بین‌الملل و در منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی و قفقاز، چین، اتحادیه اروپا، انرژی، امنیت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. عضو هیات علمی و استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع)

مقدمه

این مقاله سعی دارد تا نقش، اهداف^۱ و ملاحظات دو بازیگر مهم یعنی چین و اتحادیه اروپا را در آسیای مرکزی و قفقاز مورد بررسی قرار دهد. یکی از سوالات اصلی در این نوشتار علل تمایل این بازیگران برای ورود به منطقه است و در ادامه به بحث در مورد ابزارها^۲ و چالش‌های^۳ پیش روی این بازیگران خواهیم پرداخت. این دو بازیگر که مهمترین دغدغه آنها در موضوعات اقتصادی جای دارد و حداقل در کوتاه مدت در فکر دستیابی به قدرت سیاسی و اهداف استراتژیک نظامی و امنیتی - به آن صورت که آمریکا و روسیه در پی آن می‌باشند - نخواهند بود، سعی دارند با تقویت اقتصاد خود، راه را برای رسیدن به سایر جنبه‌های قدرت فراهم آورند و در این راستا تلاش می‌کنند از تنش جلوگیری کرده و راه توسعه صلح‌آمیز را برگزینند. بحث امنیت خطوط انرژی و تنوع در منابع فراهم آورنده آن در سال‌های اخیر بیش از گذشته برای این بازیگران، خصوصاً اروپا دغدغه ساز بوده است. بی‌تردید چین نیز در راه دستیابی به اهداف دراز مدت خود در منطقه تلفیقی از ملاحظات و ابزارهای اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی - امنیتی را مد نظر قرار خواهد داد.

اهداف، ابزارها و چالش‌های چین در آسیای مرکزی و قفقاز

اتخاذ سیاست توسعه صلح‌آمیز از سوی چین بدان معنی است که بدون ایجاد تنش و یا هزینه کردن برای کنترل و یا حل آن به منابع انرژی و مواد خام دست پیدا کند. این امر در حالی است که روزبه‌روز بر اهمیت انرژی برای این کشور افزوده می‌شود. از طرفی به علت فقر منابع انرژی در چین، به تدریج بر نیاز چینی‌ها به انرژی و مواد خام افزوده می‌شود. (Tazhin, 2008: 64)

آسیای مرکزی نزدیکترین و کم هزینه‌ترین منطقه برای چین در جهت استفاده از منابع انرژی است. در صورتی که میزان رشد اقتصادی چین را در کمترین حالت (۷٪) به حساب آوریم، چین تا سال ۲۰۱۰ نیاز به آن دارد که ۴۵٪ از واردات خود را به انرژی

۱. منظور از "اهداف"، مقاصد اصلی و چشم انداز استراتژی بلند مدت بازیگر در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است.

۲. منظور از "ابزارها" مکانیسم‌ها و راه‌کارهایی است که زمینه را برای حضور بازیگر در منطقه جهت پیگیری اهداف اصلی خود فراهم می‌آورد.

۳. با توجه به وجود چالش‌های فراوان، ما تنها برخی از چالش‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهیم که در آنها بین ابزارها و اهداف مورد پیگیری تناقض حاصل می‌آید.

اختصاص دهد. (Swanström, 2005: 575) لذا چین گام‌های بلندی را در این زمینه به‌ویژه در معامله با قزاقستان صورت داده است. قرارداد ۵ میلیارد دلاری بین شرکت ملی نفت چین با قزاقستان، سرمایه‌گذاری ۹ میلیارد دلاری چین در انتقال خطوط انرژی به کشور خود از قزاقستان، خرید سهام شرکت گاز بریتانیا در قزاقستان به ارزش ۶۱۵ میلیون دلار توسط شرکت نفت چین، در این راستا می‌باشد. (Swanström, 2005: 577)

پیوند تاریخی و جغرافیایی چین با آسیای مرکزی از مهمترین نقاط قوت و ابزارهای این کشور در تعامل با منطقه محسوب می‌شود. (Clarke, 2008: 107) روابط تجاری میان چین و مردم این منطقه در طول تاریخ که نماد آن را می‌توان در جاده ابریشم مشاهده کرد، در ایجاد روابط در سایر زمینه‌ها همچون فرهنگ نیز موثر بوده است. (Jackson, 2009: 25) تکیه چین بر این پیوندها تا حدی است که سعی دارد با قرار دادن جاده ابریشم به عنوان یک نماد، روابط خود با کشورهای منطقه را افزایش دهد؛ با این تفاوت که جاده ابریشم جدید بر مبنای سیاست نفت و خطوط لوله قرار دارد. (Ferguson, 2009: 80)

بسط همه جانبه روابط با کشورهای منطقه از طریق پیمان همکاری شانگهای از ابزارهای مهم دیگر چین برای نیل به اهداف خود در منطقه می‌باشد. با توجه به نیاز چین به حفظ ثبات و امنیت در داخل و خارج از مرزهای خود، سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند چین را در این راه به ویژه از طریق انعقاد معاهدات امنیتی، یاری رساند. (Jackson, 2009: 50) نیاز به هماهنگی و همکاری در این سازمان به حدی است که به نظر صاحب‌نظران این سازمان در جهت تغییر ساختار امنیت منطقه‌ای به نفع چین و روسیه گام بر می‌دارد. (Dwivedi, 2006: 152)

همکاری در زمینه‌های اقتصادی و تلاش در جهت خنثی سازی جریان‌ها و گرایش‌های مذهبی در منطقه و هماهنگ کردن سیاست گذاری‌ها جهت کاهش زمینه‌های بی‌ثباتی، از دیگر اهداف مورد نظر این سازمان است. چین به عنوان یکی از موسسان این سازمان و به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی از نفوذ زیادی در میان اعضاء این پیمان برخوردار است و سعی دارد تا روابط خود با کشورهای منطقه را در قالب این سازمان سامان‌دهی نماید. (Tazhin, 2008: 64)

از دیگر دغدغه‌های چین در تعامل با بازیگران بزرگ در این منطقه، عکس‌العمل مناسب به تلاش‌های روسیه برای جلب حمایت این کشور جهت مقابله با آمریکا در منطقه می‌باشد. (Sulaiman, 2002: 90) روسیه برای دستیابی به یک متحد قدرتمند در منطقه از خطر بحران آینده انرژی برای چین بهره می‌برد. (رضایی نصیر، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۱) این امر به این

کشور کمک می‌کند تا بتواند با ورود این بازیگر به منطقه از نفوذ آمریکا در منطقه بکاهد. چین نیز از این خواسته روسیه در راستای منافع ملی خود در منطقه بهره‌برداری می‌کند. به علاوه با توجه به کاهش تمایل اتحادیه اروپا برای خرید انرژی از روسیه، چین می‌تواند جایگزین مناسبی برای روسیه قلمداد گردد. (Jackson, 2009: 14)

نیاز مشترک کشورهای منطقه آسیای مرکزی و چین برای حفظ امنیت در افغانستان از دیگر محورهای تعیین کننده در نقش آفرینی چین در منطقه محسوب می‌شود. (Tazhin, 2008: 64) برقراری ثبات در افغانستان گامی مثبت جهت تامین امنیت منطقه و نابودی کانون‌های افراط‌گرایی و تروریستی در منطقه تلقی می‌گردد. با توجه به استقبال همه بازیگران منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای در مشارکت جهت برقراری ثبات در افغانستان و با توجه به دغدغه چین جهت حفظ امنیت خطوط لوله و مرزهای خود و جلوگیری از ورود ناآرامی‌ها به داخل مرزهای خود، می‌توان انگیزه اصلی برخی از اقدامات چینی‌ها از جمله سرمایه‌گذاری‌های چین در کشورهای منطقه را بهتر درک نمود.

استفاده از ابزارهای مناسب مالی و اقتصادی در راستای پاسخگویی به نیازهای متنوع و مبرم کشورهای منطقه از دیگر موارد مهم در رویکرد چینی‌ها در منطقه آسیای مرکزی است. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲) از طرفی جمهوری‌های آسیای مرکزی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کمک‌های مالی و غیر مالی، "سیاست درهای باز" را مورد پذیرش قرار داده‌اند (Dwived, 2006: 155) و در این راستا چین با سرعتی بیش از سایر رقبا در تلاش برای استفاده از این فرصت برآمده است. (Swanström, 2005: 579) ظرفیت‌های بالای چین در اقتصاد، قیمت پایین کالاهای چینی در مقایسه با کالاهای مشابه از سایر کشورها، عدم همراهی کمک‌های چین با تقاضاهای سیاسی و نیز عدم تقاضا برای بهبود دموکراسی و حقوق بشر در کشورهای مقصد منجر به آن شده که دولت‌مردان و ملت‌های منطقه گرایش بیشتری به سرمایه‌گذاری با چین در مقایسه با سایر بازیگران حاضر در منطقه از خود نشان دهند. (Jackson, 2009: 63)

نیاز آسیای مرکزی به دسترسی به اقیانوس آرام، خاور دور و جنوب شرقی آسیا از عامل ژئوپلیتیک مهم در نوع رابطه کشورهای منطقه با چین محسوب می‌شود. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲) در این رابطه می‌توان به فراهم آوردن امکان دسترسی سه کشور که با چین مرز مشترک دارند و محصور در خشکی می‌باشند، اشاره کرد. (Dwived, 2006: 155)

منافع مشترک چین، روسیه و کشورهای منطقه در توقف و سرکوب جنبش‌های قومی- مذهبی و حفظ ثبات در آسیای مرکزی در زمره مهمترین عوامل تاثیرگذار بر سیاست‌های اتخاذ شده از سوی این دولت‌ها است. (Wu,2004:1063) در این راستا چین در جهت تامین امنیت خطوط لوله، مرزها و جلوگیری از نفوذ ناآرامی‌ها، به ویژه با توجه به استعداد نواحی حاشیه‌ای خود در بروز حرکت‌های افراط گرایانه و جدایی طلب، همچون استان سین کیانگ، نیاز دارد که امنیت و ثبات در منطقه برقرار گردد. اکثریت جمعیت این استان را مسلمانان ترک تبار تشکیل می‌دهند. ملاحظیات امنیتی و سرزمینی و توجه به منابع طبیعی موجود در این منطقه از دغدغه‌های چین برای حفظ ثبات و آرامش در این ایالت است. حال آنکه به علت وجود اشتراکات دینی و فرهنگی میان این استان و سرزمین‌های آسیای مرکزی احتمال گسترش ناآرامی‌های قومی و مذهبی از آسیای مرکزی به این استان موجبات نگرانی چین را فراهم آورده است؛ به طوری که حفظ این استان بستگی به کنترل آشوب‌ها در آسیای مرکزی دارد. (اشپولر، ۱۳۷۶: ۱۷۱-۱۴۶)

از طرفی بدون شک شیخ قدرت نظامی چین در کنار توانایی‌های اقتصادی آن از اهرم‌های مهم این کشور در پیشبرد اهداف خود در منطقه می‌باشد. هرچند چین سیاست خود را بر پایه توسعه صلح آمیز قرار داده و هرگز سخن یا اقدامی که مبتنی بر استفاده یا تهدید به نیروی نظامی از سوی این کشور باشد، به چشم نمی‌خورد؛ اما تصور این نیرو در اذهان دولت‌مردان منطقه تاثیر روانی زیادی دارد و احتمال می‌رود تحت فشار این عامل روانی حاضر شوند به سیاست‌های مورد نظر چین تن در دهند. به علاوه، وجود ناآرامی‌ها در این کشورها در حالی است که به غیر از قزاقستان، سایر کشورهای این منطقه از نیروی نظامی مناسب بی بهره‌اند و ضرورت یاری سایر بازیگران از جمله چین جهت سرکوب این بحران‌ها لازم است. (Jackson,2009:10)

یکی دیگر از شگردهای چین، استفاده از بحران اقتصادی اخیر در بازارهای مالی جهان در جهت توسعه خود در منطقه می‌باشد. از آنجایی که آسیای مرکزی نیز از صدمات بحران جدید اقتصادی بی‌بهره نبوده است، چین از این فرصت مناسب برای سرمایه گذاری در منطقه استفاده نموده است و منطقه نیز از این امر استقبال کرده است. از طرفی این سرمایه گذاری‌ها هم از حیث سودآوری و بدست آوردن بازار مصرف و هم از جهت کاهش استعداد منطقه در بروز ناآرامی برای چین به عنوان یک هدف قلمداد می‌شود. همچنین چین توانسته است در رقابت با

سایر رقبا گوی سبقت را در سرمایه گذاری در منطقه بریاید. اعطای وام ۵۷۰ میلیون دلاری به قزاقستان، وام ۵ میلیون دلاری به تاجیکستان برای خرید محصولات چینی، آمادگی استان‌های چین برای افزایش ۳۰ تا ۵۰ درصدی سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی نمونه‌هایی از این تلاش‌ها است. در این راستا می‌توان از بهره برداری چینی‌ها از فرصت بدست آمده برای انعقاد معاملات انرژی با قزاقستان نیز نام برد. (Siegel, 2009: 50)

همچنین وجود و بروز حرکت‌های افراط‌گرایانه و جدایی طلب، استقلال و تمامیت ارضی بسیاری از کشورهای منطقه را بطور بالقوه با خطر روبرو ساخته است. چین با حمایت از استقلال و حاکمیت ملی این کشورها، به ویژه از طریق سازمان همکاری‌های شانگهای، توانسته است علاوه بر جلب نظر مثبت دولت‌مردان آنها، اهداف خود در منطقه را نیز پیگیری کند. حفظ و تامین امنیت مرزها و جلوگیری از تسری ناآرامی‌ها به داخل خاک خود از جمله دلایلی است که چین را نیازمند حمایت از این کشورها نموده است. (Wu, 2004: 1063)

یکی دیگر از مهمترین چالش‌های پیش روی چین در چگونگی استمرار توسعه صلح آمیز در منطقه آسیای مرکزی، تنش در روابط خود با سایر رقبا می‌باشد. (Owg, 2005: 428) در همین راستا است که به نظر بسیاری از کارشناسان منطقه چین پیگیری اهداف خود در منطقه را از طریق پیمان شانگهای دنبال می‌کند؛ سیاستی که حتی احتمال رویارویی با ناتو را نیز می‌تواند دنبال داشته باشد. (Sulaiman, 2002: 90) تعداد زیادی در غرب بر این عقیده می‌باشند که سازمان همکاری شانگهای در مقابل ناتو تاسیس شده است. (Tazhin, 2008: 65)

اهداف، ابزارها و چالش‌های اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی و قفقاز

نیاز اروپا به انرژی و تامین امنیت خطوط انرژی مهمترین انگیزه و دلیل جلب توجه اتحادیه اروپا به آسیای مرکزی و قفقاز است. (Shaffer, 2003: 30) عملکرد روسیه در استفاده از انرژی به عنوان یک اهرم فشار در روابط خود با اروپا سبب شده است تا اروپا به سمت متنوع‌سازی مجاری تامین و انتقال انرژی در منطقه روی آورد. اروپا خواهان آن است که رقابت در منطقه از حاصل جمع صفر به حاصل جمع مثبت تبدیل شود تا بتواند بدون تنش به منافع خود دست یابد. (Legvold, 2003: 143)

نیاز منطقه به سرمایه‌گذاری در سطوح مختلف و ظرفیت‌های بالای اتحادیه اروپا برای پاسخ به این نیاز، فرصت‌طلبی را در اختیار اتحادیه اروپا برای تعامل با کشورهای

آسیای مرکزی و قفقاز قرار می‌دهد. همانطور که در بخش نخست این مقاله گفته شد، سیاست درهای باز مورد پذیرش کشورهای این منطقه است. با توجه به آنکه اتحادیه اروپا در مقطع فعلی اولویت اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده‌است، توسعه نفوذ اتحادیه از طریق سرمایه‌گذاری راه‌کاری عمل‌گرایانه در منطقه می‌باشد و حتی می‌تواند مسیری مناسب را برای نفوذ سیاسی در دراز مدت فراهم آورد.

همچنین استفاده از سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی به عنوان ابزاری برای تعقیب سیاست‌های اروپا و غرب در منطقه، یکی دیگر از مکانیسم‌های مورد نظر اتحادیه اروپا در پیشبرد اهداف خود در منطقه آسیای مرکزی است که هیچ‌گاه در این سطح از سوی سایر بازیگران از جمله چین مد نظر قرار نگرفته است. (Lewis, 2008: 68) به عنوان مثال حمایت بانک سرمایه‌گذاری اروپا و بانک توسعه و ترمیم اروپا از جمله پروژه‌های اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی می‌باشند. به علاوه، تقاضای کشورهای منطقه برای حضور در سازمان‌هایی مانند سازمان تجارت جهانی همواره مشروط به اصلاحات سیاسی، اقتصادی، توسعه دموکراسی و حقوق بشر در این کشورها بوده است؛ لذا بهبود اقتصاد کشورهای این منطقه نیازمند پاسخ مثبت آنها به این شروط و در نتیجه نفوذ بیشتر غرب از راه این سازمان‌ها است.

در استراتژی جدید همکاری اروپا با آسیای مرکزی در مقطع زمانی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، پیگیری سیاست‌های حقوق بشر، دموکراسی، آموزش و پرورش از موضوعات مورد توجه اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی و قفقاز است. (Council of the European Union General Secretariat, 2007: 5) پیگیری چنین فعالیت‌هایی با مشارکت سازمان‌های مربوطه صورت می‌گیرد و حرکت در راستای این فعالیت‌ها به حدی مهم است که در صورت عدم پیگیری این سیاست‌ها از جانب یک کشور، همکاری بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی با آن کشور به حالت تعلیق در خواهد آمد.

استفاده از ناتو یکی دیگر از ابزارهای مشترک آمریکا و اتحادیه اروپا برای گسترش نفوذ در منطقه است. (Rummer, 2000: 213) تقاضای برخی کشورهای منطقه همچون گرجستان برای عضویت در ناتو سبب شده‌است که اروپا از آن به عنوان ابزار چانه‌زنی در راستای قبولاندن نقطه نظرات خود به این کشور استفاده نماید. این در حالی است که برخی

از بازیگران دیگر منطقه نظیر ترکیه نیز از ایفای نقش توسط ناتو و اتحادیه اروپا بطور تلویحی حمایت می‌کنند. (مرادی، ۱۳۸۵: ۲۰۱) با این همه گسترش ناتو به قیمت روبرویی با بازیگران منطقه‌ای همچون روسیه، ایران و چین از چالش‌های اساسی امریکا و اروپا در به خدمت گرفتن ناتو محسوب می‌شود. همانطور که گفته شد ناتو و اتحادیه اروپا حامیان یکدیگر در جهت نفوذ به منطقه می‌باشند. سود جستن از سایر سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای نظیر سازمان امنیت و همکاری اروپا به منظور پیشبرد اهداف دراز مدت خود در کشورهای منطقه از جمله دیگر ابزارهای موثر و نسبتاً موفق اروپا در منطقه بوده است. مبارزه با مواد مخدر، افراط‌گرایی مذهبی، مهاجرت غیرقانونی، در کنار ادعای مبارزه با تروریسم در افغانستان به عنوان بهانه‌ای برای توسعه نفوذ غرب در منطقه مبدل شده است.

از طرفی بدست آوردن بازار مصرف برای محصولات اروپایی از جمله دغدغه‌های مشترک اتحادیه اروپا و چین در منطقه به‌شمار می‌رود که به صحنه رقابت جدی میان دو طرف نیز منجر شده است.

نتیجه‌گیری

انرژی و چالش‌های پیش روی چین و اتحادیه اروپا در تامین انرژی در زمره دغدغه‌های مشترک این دو بازیگر در منطقه به‌شمار می‌روند. اگرچه چین راه‌کار اقتصادی را برای توسعه نفوذ خود در آسیای مرکزی انتخاب کرده است ولی پیش‌بینی می‌شود که چالش‌های پیش روی آن سبب خواهد شد برای ادامه توسعه اقتصادی خود در دراز مدت به تقویت حضور نظامی خود در منطقه روی آورد.

در خصوص اتحادیه اروپا به نظر می‌رسد که ایجاد تنوع در منابع و گذرگاه‌های عبور خطوط انرژی در دستور کار قرار دارد و اروپا در راستای منافع خود با چالش‌هایی روبه‌رو است که بسیاری از آن‌ها ناشی از دنباله روی از سیاست‌های آمریکا می‌باشد. از طرفی افول قدرت آمریکا از جایگاه برتر جهان و روی کار آمدن اوباما به همراه شعار تغییر، فرصتی را برای اروپا فراهم می‌سازد تا در ازای دنباله روی از مواضع آمریکا به دنبال تامین منافع خود حرکت کند و از چالش‌های پیش روی خود تا حد زیادی به کاهد.

در هر صورت چنین به نظر می‌رسد که چین و اتحادیه اروپا به عنوان دو بازیگر مهم و تاثیرگذار در منطقه بیش از سایر بازیگران به رقابت در زمینه اهداف اقتصادی مشغول می‌باشند و این امر تا حد زیادی آنان را از بازیگرانی نظیر امریکا و روسیه متمایز می‌سازد.



شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

۱. اشیپولر، برتولد و بنیگسن، الکساندر و دیگران (۱۳۷۶)، " آسیای میانه؛ مجموعه مقالات و گفتگوها درباره افغانستان و آسیای مرکزی"، کاوه بیات، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۶)، " تکرار بازی بزرگ در آسیای مرکزی"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، بهار، شماره ۲.
۳. رضائی نصیر (۱۳۸۰)، "مثلث روسیه، چین، آمریکا"، ترجمان اقتصادی، مرداد، سال چهارم، شماره ۹.
۴. کولایی، الهه (۱۳۸۴)، "بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه‌ها و چشم اندازها"، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. معظمی گودرزی، پروین (۱۳۸۳)، "مجموعه مقالات یازدهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز: امنیت در قفقاز جنوبی"، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، "چشم انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا در تامین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی: حدود و امکانات"، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

7. Clarke, Michael (2008), "China's Grand Strategy of Peaceful Rise and its Central Asia Dimension", Asian Security, May-August, Vol.4, N.2.
8. Dwivedi, Ramakant (2006), "China's Central Asia Policy in Recent Times", November, Vol.4, No.4: China and Eurasia Forum Quarterly.
9. Ferguson R. James (2001), "China and the Emerging Eurasian Agenda: From Special Interests to Strategic Cooperation", December No. 8, Australia: Centre for East-West Cultural and Economic Studies, School of Humanities and Social Science, Bond University, Queensland.
10. Jackson, Alexander (2009), "China and Central Asia", Caucasian Review of International Affairs, Tuesday, 19 May 2009, No. 33.
11. Kandiyoti, Rafael (2008), "What price access to the open seas? The Geopolitics of oil and gas transmission from the Trans-Caspian republics", Central, March, Vol.27, Issue.
12. Lewis, David (2008), "The dynamics of regime change: domestic and international factors in the Tulip Revolution", Central Asia Survey, September-December, Vol.27, N.3-4.
13. Owg, Russell (2005), "China's Security Interests in Central Asia", Central Asia Survey, Vol.24, N.4
14. Peck, JM (2007), "Central Asia: Views from Washing town, Moscow and Beijing", Middletown, Vol.45, Iss.4.

15. Rumer, Boris (2000), "**Central Asia and the New Global Economy**", first published, New York : M.E SHARPE.
16. Shaffer, Brenda (2003), "**Iran and Its neighbors**", Iran's role in the south Caucasus and Caspian region: diverging views of the US and Europe's Berlin, July.
17. Siegel, Matt (2009), "**Crisis.... what crisis? China spends big in Central Asia**", May 24.
18. Sulaiman, Sadia (2002), "**Role of Central Asia in War against Terrorism: Futuristic Appraisal**", Strategic Studies, summer, No.2.
- 19.
20. Tazhin, Marat (2008), "**The Geopolitical Role of the Main Global Players in Central Asia**", American Foreign Policy Interest, March, April, Vol.30, Issue.2.
21. Wu, Hsiu-Ling (2004), "**The Prospects for Regional Economic Integration between China and the Five Central Asia**", Central Asia Survey, November, Vol.27, N.10.
22. European Investment Bank and EBRD will co-manage EU-supported "**projects in Eastern Europe and Central Asia**", Reference: 2006-130-EN Date: 28/11/2006.
23. "**European Union and Central Asia: Strategy for New Partnership**", October 2007, published by Council of the European Union General.
24. <http://www.eib.org/about/press/2006/2006-130-european-investment-bank-and-ebrd-will-co-manage-eu-supported-projects-in-eastern-europe-and-potentially-central-asia.htm>.
25. http://www.silkroadstudies.org/docs/publications/2005/JCC_Swanstrom.pdf.
26. <http://www.news.asiaone.com/News/Latest+News/Asia/Story/A1Story20090524-143446.html>.
27. <http://www.informaworld.com/smpp/content~content=a795360523~db=all~jumptype=rss>.
28. <http://www.easterncampaign.wordpress.com/2008/07/16/chinas-entry-into-afghanistan>.
29. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8805251377>.
30. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8804170156>.
31. http://www.ec.europa.eu/trade/issues/bilateral/regions/cis/index_en.htm.
32. <http://www.easterncampaign.wordpress.com>.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی